

فقیر محمد فقیر وزیر داخله حفیظ الله امین:

«... آنقدر که سر روسها باور داشتیم سر افغانها نداشتیم.»

(به خاطر امانتداری، مطابق زبان گفتاری در نوار ویدئویی تایپ شده است)



روزی که افغانستان را برای همیشه تغییر داد. ۲۷ دسامبر سال ۱۹۷۹، تاریکی جاده های شهر را فرا می گرفت. این قصه ی عملیات توفان ۳۳۳ است، ماموریت مخفی برای ترور رییس جمهور افغانستان و کنترل کابل.

تاج بیگ محل بود و باش رییس جمهور افغانستان بود.

چهل سال گذشت اما فقیر محمد فقیر آنچه را که اینجا دیده بود هرگز فراموش نکرده. او در آن روز به قصر رفته بود.

فقیر محمد فقیر، وزیر داخله حفیظ الله امین:

«امین صیب سوپه زیاد دوست داشت. ده همو سوپ همی آشپز زار انداخته، اینمی نفر مربوط به کاگی بی بود.»



حفیظ الله امین بعد از خوردن سوپ، بیهوش شد. آقای فقیر وزیر داخله امین بود. او به طبقه بالا رفت به اتاق خواب رییس جمهوری.

فقیر محمد: «وقتی که ما آمدیم، امین صیب ده تخت افتیده بود، دو نفر پاکتری روسی بود، اینا نل های خوده تیر کده معدیش می شوست.»



داکتران شوروی بیخبر از توطئه ی کی جی بی چار ساعت برای به هوش آمدن رییس جمهور سخت تلاش کردند.

فقیر محمد: «امینه گرفت ده تشناب بوردیش، ده تشناب هم نیم ساعت سری اوی یخ ایلا کدن. ای اوی یخ که ایلا کده او به هوش آمد امین صیب، چشمایش هم کار می‌کد، گوشمایش هم کولیشه خوب تیار آمد. پس ده تخت خواب افتیدند . . .»



ماموریت قتل امین نشئت می گرفت از نگرانی مسکو از مقاومت روزافزون در برابر حاکمیت بی رحمانه ی او. امین هزاران افغان را زندانی و دستور اعدام شان را صادر کرد. تعدادی در کرملین همچنان از ارتباط داشتن امین با سی آی ای نگران بودند.

همزمان با غروب آفتاب سربازان شوروی وارد ساختمان وزارت دفاع شدند. جائیکه اکنون موزیم ملی افغانستان است. در نظر بود که این سربازان یعقوب خان لوی درستیز نیروهای مسلح را بکشند و مانع حرکت اردو شوند. دولت وزیری در پشت میز خود نشسته بود که ناگهان صدایی تیراندازی بلند شد.



دولت وزیری، سکرتر پیشین یعقوب خان لوی درستیز حفیظ الله امین:

«ما خیستوم کلاشینکوفه گرفتوم و ای کلکینه واز کدوم که دیدوم که اونجه فیر می کونه مام چند فیر کدوم که دیدوم دریشیایی زرد د جانشان بودند و کلاهی امو پشمی د چیز مه فکر کدوم که ای خو روسا واری است . . .»



زمانیکه سربازان شوروی داخل ساختمان وزارت دفاع شدند، وزیری به داخل دفتر یعقوب خان شتافت. لوی درستیز با چند مشاور نظامی روسی سرگرم جلسه بود.

دولت وزیری: «به نود و پنج فی صد مه گفته میتانیم که ترجمان مشاور یعقوب خان که روسی بود، او سری یعقوب خان فیر کد. دو مرمی د اینی بغل خود خورده بود، نفره که دیدوم . . .»



وزیری از دفتر برآمد و به داخل دهلیز فرار کرد.

دولت وزیری: پیش از ای که ما فیر کنوم او فیر کد. اینیجه مرمی خورد، دست ما شکست، کلاشینکوف از پیش ما . . . د پای راست ما مرمی خورد و ای د همی شکم ما مرمی خورد»



وزیری به داخل مهمان خانه شتافت اما نیروهای شوروی بم دستی پرتاب کردند و او مجبور شد که راهی برای خروج پیدا کند.

دولت وزیری: «اینجکه کلکین بود، و د ای کلکین، ما کلکینه واز کدوم پایین خوده انداختوم پایین. وقتیکه پایین انداختوم هر دو پایم هم شکست، کمری مام شکست و بعد از او مه نفهمیدیم که چه گپ شده.»

فقیر محمد، وزیر داخله امین: «امین صیب همرای کلاشینکوف آمدند سری زینا و زینا را کنترل میکند که اگر کس میایه سرشان فیر کنه. د ای وخت، ای یک مرمی د ران خورده»



امین از زخم های که برداشته بود درگذشت.

آن رویداد در پیروزی شوروی نقش کلیدی داشت حتی در جریان حمله هم امین و وزیرانش باور نمیکردند که مسکو به متحد خود حمله کند.

فقیر محمد: «حتی آنقدر که سر روسها باور داشتیم سر افغانها نداشتیم. د همو باور د همو اعتماد، بالاخره خابینانه ترین عمل انجام داد ما را از ما رییس جمهور ما را هم کشت، افسرای ما را هم کشت، کوماندان های ما را هم کشت، کُدرت سیاسی هم از ما گرفت، کولیش زندانها پُر شد»



دولت وزیری سرانجام افسر اردوی افغانستان شد، اردوی که از سوی شوروی حمایت می شد. سیزده ماه طول کشید که صحت یاب شود. اما زخمهای عاطفی آن هنوز هم باقیست.

دولت وزیری: «از وحشت بالاتر بود، به خاطری ازیکه د همو روز ما مُردَم. ما، ما را د جمع کسانیکه مُرده بودند د جمع اونا برده بود. وقتی که دیدند که مه زنده هستم مره د عملیات خانه بردند د شفاخانه . . .»



فقير محمد فقير هم آرام-آرام زنده گي خود را سر و سامان بخشیده. او بیش از دهسال در زندان در انتظار اعدام بود. پس از خروج نیروهای شوروی او از زندان رها شد.

فقير محمد، وزير داخله امين: «اصلاً تجاوز روسها، که به شش جدی تصادف کد حمله کد، در تاريخ افغانستان هم به مردم افغانستان هم به مردم دنيا بدترین روز است، سیاه ترین روز است، بدبخت ترین روز است که سر مردم افغانستان ای بدبختی تا امروز از همو روز که شروع شده تا امروز دوام کرد.»
فقير محمد: «. . . آنقدر که سر روسها باور داشتیم سر افغانها نداشتیم.»



پایان دادن به چند دهه جنگ بسیار دشوار است، فقير خوشبین نیست، چهل سال پس از تهاجم شوروی هنوز راه صلح پیدا نشده.

منبع: راديو آزادي

برای تماشای ویدئو لطفاً روی لینک یا پیوند زیر فشار وارد کنید:

http://www.esalat.org/images/Faqir_Mohammad_Faqiri-27-12-2019.mp4

www.esalat.org